

بیستم دی ماه سالروز شهادت امیرکبیر (۱۲۳۰ ه. ش)

۱۷۲ سال بعد از شهادت امیرکبیر

● سعید وزیری زاده*

اشاره

بیستم دی ماه هر سال، سالروز شهادت آزادمرد مؤمن و مسلمان و وطن خواه ایرانی است که تمام وجود و قلبش برای توسعه ایران می تپید. با مبارزه با استعمار و فساد دربار جانش را فدا نمود و به شهادت رسید. برای گرامیداشت یاد و خاطره این شهید بزرگ مرد، این مقاله به سفارش مجله از نویسنده ارجمند، جناب آقای سعید وزیری زاده، ارائه می شود.

پاداش خون ریخته شده بر سنگ فرش حمام فین کاشان را در سقف پر نقش و نگار تیمچه حاجب الدوله^۱ می بینیم و در آینه تاریخ می بینیم که چگونه از این قطره قطره خون های به ناحق ریخته، اعتماد السلطنه^۲ ها قد می کشند تا برای قبله عالم روزنامه بخوانند و آنگاه آقاخان نوری^۳ ها بر صندلی صدارت تکیه بزنند تا عزت الدوله^۴ ها ناخواسته به ازدواج های سیاسی تن دهند و یا در سکوتی معنی دار می بینیم که روزنامه ها^۵ از قتل فجیع امیرکبیر روایتی را نقل می کنند که به تریح قبای ناصرالدین شاه بر نخورد و شگفت انگیزتر اینکه مورخ درباری، مؤلف کتاب «ناسخ التواریخ»^۶، قتل امیر را بیماری می داند.

۱. تیمچه حاجب الدوله از کارهای علی خان، مأمور قتل امیرکبیر است.
۲. اعتماد السلطنه، فرزند علی خان، مؤلف کتاب «مرآت البلدان» که به کوشش عبدالحسین نوایی در دانشگاه تهران در چهار جلد به سال ۱۳۶۸ ه. ش) منتشر شده است. وی برای ناصرالدین شاه خلاصه روزنامه های خارجی را ترجمه می کرد و می خواند.
۳. آقاخان نوری از دشمنان امیرکبیر که پس از قتل امیر صدراعظم شد.
۴. عزت الدوله، خواهر ناصرالدین شاه و همسر دوم امیرکبیر.
۵. روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۶۷ ه. ق) به دستور امیرکبیر ایجاد شد. این روزنامه هفته ای یکبار منتشر می شد. سکوت این روزنامه هم در مورد قتل امیرکبیر معنی دار است.
۶. ناسخ التواریخ، تألیف میرزا محمد تقی (سپهر) که آخرین جلد آن درباره قاجاریه و وقایع سال ۱۲۹۸ ه. ش) است.

* نویسنده و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

محمدشاه
به چه گناهی
قائم مقام را کشت؟
مگر وی به پدرش
قول نداده بود و
سوگند نخورده بود
که خون قائم مقام را
نریزد؟

و در وانفسایی نفس گیر، تاریخ به گونه‌ای قلب شود که دلک‌ها بر صدر نشینند و اندیشمندان گوشهٔ عزلت گزینند و زهرهٔ آن نداشته باشند که بگویند یا بنویسند که شاهزادگان درباری و مهدعلیا چگونه در کنار مقبرهٔ بی‌بی‌زبیده (مادر برکیارق: آدمیت، ۱۳۵۶) همسر ملک‌شاه سلجوقی، توطئهٔ قتل امیرکبیر را پایه‌ریزی کردند و بدین‌سان، چوب حراج کشور را به شهروایی اندک در سراسر کشور جار زدند. من در این جستار کوتاه می‌خواهم نگاهی گذرا به زندگی سیاسی امیرکبیر و شهادت وی داشته باشم. اما نخست باید نگاهی هم به نخبه‌کشی‌های دورهٔ قاجار داشته باشم. دو تن از این نخبه‌ها که آبروی تاریخ ایران هستند، به وسیلهٔ محمدشاه و فرزندش ناصرالدین‌شاه به قتل رسیدند.

محمدشاه به چه گناهی قائم مقام را کشت؟ مگر وی به پدرش قول نداده بود و سوگند نخورده بود که خون قائم مقام را نریزد؟

برابر داوری تاریخ، تنها گناه قائم مقام فسادناپذیری، فرزاندگی، وطن دوستی و بیگانه‌ستیزی بود و به این طریق بود که خشم دو قدرت روس و انگلیس را برانگیخت تا با همراهی درباریان و دیوانی‌های فاسد و مردم عقب‌افتاده، شاه را وادار کردند که او را از بین ببرد. اما چون محمدشاه سوگند خورده بود که خون وی را نریزد، خونس را نریخت و دستور داد او را خفه کردند. او را در گلیمی پیچیدند و شبانه به مقبرهٔ ابوالفتح رازی در شهرری بردند و به خاک سپردند.

اما امیرکبیر که سرنوشت قائم مقام را دیده بود، چگونه به ناصرالدین‌شاه اعتماد کرد؟ آیا فکر می‌کرد می‌تواند ناصرالدین‌شاه را که به هنگام بر تخت نشستن ۱۷ سال و ۹ ماه ۱۷ روز سن داشت، از واقعیت‌هایی که وجود داشت آگاه کند؟ دیگر اینکه امیر آبا «گلستان» سعدی را خوانده بود که: «تصحیح کردن پادشاهان کسی را مسلم باشد که بیم سر ندارد و امید زر.» و اگر امیر نه بیم سر داشت و نه امید زر که چنین بود، آیا به این سخنان سعدی هم توجه کرده بود:

«به دوستی پادشاهان اعتماد نشاید کرد و بر آواز خوش کودکان که آن به خیالی

مبدل شود و این به خرابی متغیر.»

فریدون آدمیت نخستین کسی بود که زندگی و اندیشه‌های پیشگامان اندیشه‌های نو، به‌ویژه ناسیونالیسم ایران را به شیوه‌ای ارزشمند بررسی کرد. به نوشتهٔ او، تعبیرهایی مانند غیرت، ملت، خاک و وطن پرستی را در سال ۱۱۶۵ هجری قمری (۱۸۴۹ میلادی) میرزا تقی‌خان امیرکبیر به کار برده بود.

□ امیرکبیر از صدارت تا شهادت

به نوشتهٔ اقبال یغمایی، میرزاتقی خان، بزرگ‌ترین و مصلحت‌اندیش‌ترین مقربان ناصرالدین میرزای ولیعهد، پس از مرگ محمدشاه مبلغی از سرمایه‌داران وام گرفت و وسیلهٔ سفر ولیعهد را از تبریز به تهران فراهم ساخت. ناصرالدین‌شاه به پاس خدمات وی



↑ تندیس امیرکبیر
در حمام فین کاشان

به او مرتبهٔ صدارت داد. ناصرالدین‌شاه در تاریخ ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۶۴، برابر با میزان (مهر) ۱۲۲۷ تاج‌گذاری کرد. صدارت امیرکبیر در حدود سه سال و سه ماه بود. باید دید چه شد که ناصرالدین‌شاه امیر را از کار برکنار و سپس فرمان قتلش را صادر کرد؟ امیرکبیر ۲۰ محرم ۱۲۶۸ نخست از صدارت برکنار شد. پنج روز بعد او را به کاشان تبعید کردند و روز سه‌شنبه ۱۸ ربیع اول ۱۲۶۸، برابر با ۲۱ جدی (دیماه) ۱۲۳۰ هـ. ش) فرمان قتلش صادر شد. شاه این‌موقع فقط ۲۱ سال و ۱۳ روز سن داشت.

□ بقعهٔ بی‌بی‌زبیده، مرکز توطئه علیه امیرکبیر

نخست باید دید بی‌بی‌زبیده چه کسی است و چگونه بقعهٔ وی به مرکزی برای توطئه علیه امیرکبیر تبدیل شد.

به نوشتهٔ منابع تاریخی، بی‌بی‌زبیده خاتون، دخترعمو و همسر ملک‌شاه سلجوقی که پس از مرگ ملک‌شاه به تحریک هوویش، **ترکان خاتون** و به‌دستور **مؤیدالملک** در دژ تبرک ری زندانی می‌شود و سپس او را خفه می‌کنند. او مادر **برکیارق** است که در شهر ری بر تخت سلطنت نشست. اما مردم اعتقاد دارند بی‌بی‌زبیده دختر **شهربانو** و همسر **امام حسین (ع)** است. دربارهٔ اینکه بی‌بی‌زبیده دختر امام حسین (ع) نیست، دکتر **کریمیان** در کتاب «ری باستان» در صفحهٔ ۴۱۸ می‌نویسد که در هیچیک از منابع‌های معتمد از اینکه دختری بدین‌نام از امام حسین (ع) در ری مدفون باشد، ذکری نیست. البته اینکه بی‌بی‌زبیده به ستم زندانی و سپس خفه شده است، قابل انکار نیست.

اما اینکه چرا در این مکان علیه امیرکبیر توطئه شده است، باید به نوشتهٔ **مهدی بامداد** در کتاب «شرح حال رجال ایران» توجه کرد. وی می‌نویسد: «از آثار مهم مهدعلیا، مادر ناصرالدین‌شاه، ساختن بقعه و بارگاه زبیده خاتون در نزدیکی شهرری است. معروف است که زبیده خاتون دختر **حاجی‌علی**، پسر **جعفر** است. پدر پس از وفات او را در باغ خود دفن می‌کند. پس از چندی کسان و دوستان مهدعلیا خواب دیدند که زبیده خاتون دختر حضرت سیدالشهدا، پس از کربلا به ری آمده و در اینجا مدفون است و مهدعلیا را وادار کردند که برای آن بقعه و بارگاه بسازد. در ضمن ساختمان اینجا محل ملاقات امیرکبیر و مهدعلیا بوده است (بامداد، ۱۳۷۸: ۲۲۷).

این ملاقات‌ها نتیجه داد و سرانجام در ۲۰ محرم امیرکبیر معزول و در نهایت به قتل رسید.

شب ۲۱ دی ماه
سال ۱۲۳۰
برای آزاداندیشان
و وطن‌دوستان
شبی تلخ بود

□ شبی تلخ

شب ۲۱ دی ماه سال ۱۲۳۰ برای آزاداندیشان و وطن‌دوستان شبی تلخ بود. در این شب بود که ناصرالدین‌شاه فرمان قتل امیر را صادر کرد. از شگفتی‌های تاریخ یکی هم این است که این شب، شب عروسی شاهزاده اعتضادالسلطنه با رقاصه معروف مهدعلیا بود. در این شب ناصرالدین‌شاه در حال مستی فرمان قتل را امضا کرد. اما همین که مستی از سرش پرید، سپیده دمیده و **علی‌خان حاج‌الدوله** از راه «کویر سیاه‌کوه» خود را به باغ فین رسانده بود.

□ داوری درباره مرگ امیرکبیر

روزنامه «وقایع اتفاقیه» گزارش می‌دهد که میرزا تقی‌خان که سابقاً امیرنظام و شخص اول این دولت بود، در شب هجدهم ماه ربیع‌الاول در کاشان وفات یافته است (روزنامه اتفاقیه، ۱۲۶۸). چنان‌که مشاهده می‌شود به قتل امیر اشاره‌ای نمی‌کند.

محمدتقی سپهر کاشانی، مؤلف کتاب «تاریخ ناسخ التواریخ» هم در کار تاریخی‌اش، صداقت تاریخی را قربانی برخی وابستگی‌هایش به دربار می‌کند. وی به قتل امیر در حمام فین کاشان به وسیله حاج علی‌خان فراش‌باشی اشاره‌ای نمی‌کند، بلکه مرگش را بر اثر بیماری و ترس از مراجعه به طبیب می‌داند.

درباره کارهای امیرکبیر تاریخ داوری می‌کند اما باید گفت که دوست و دشمن در لیاقت، کردانی، دانش‌دوستی و بیگانه‌ستیزی وی اتفاق نظر دارند. همین عدالت‌خواهی، وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی باعث قتلش شد. در نتیجه، فرمان قتل به وسیله **محمدسعید عشقعلی و میرزا سعیدخان انصاری**، به‌دستور شاه نوشته شد. شاه آن را امضا کرد و حاجی علی‌خان فراش‌باشی مأمور این کار شد.

□ جنازه امیرکبیر

جنازه وی را در «پشت مشهد» کاشان که گورستانی بود، در جوار آرامگاه حبیب ابن موسی به خاک سپردند. اما پس از مدتی جنازه را به عتبات عالیات بردند. دریغا که از مهیاکردن یک قبر هم برای امیرکبیر که در وطن‌دوستی او تردیدی نیست، پرهیز کردند. شاید هراس داشتند که مقبره‌اش زیارتگاه آزادی‌خواهان شود.

□ عزت‌الدوله پس از قتل امیرکبیر

وقتی امیر را کشتند، عزت‌الدوله ۱۷ ساله بود و از امیر هم دو دختر داشت: یکی از آن‌ها تاج‌الملوک نام داشت که بعدها به عقد و ازدواج مظفرالدین‌شاه در آمد و دیگری همدم‌الملوک بود که به عقد ظل‌السلطان در آمد. بنابراین از دو داماد امیرکبیر یکی مظفرالدین‌شاه است و دیگری مسعود میرزای ظل‌السلطان.

اما عزت‌الدوله پس از مدتی که از مرگ امیر گذشت، به‌دستور برادرش و مادرش مهدعلیا با کاظم‌خان نظام‌الملک ازدواج کرد. یعنی به همسری فرزند میرزا آقاخان نوری

برادر ناتنی
ناصرالدین شاه،
می گوید: امیر در
عرض دو سال ایران
را نظمی داد که از
قوه هیچ کس
بر نمی آمد

در آمد که از دشمنان امیر بود. این ازدواج تا وقتی ادامه داشت که میرزا آقاخان از صدارت معزول نشده بود. پس از آن عزت الدوله همسر شیرخان عین الملک، یعنی پسر دایی خود شد. شوهر سوم عزت الدوله در سال ۱۲۸۵ درگذشت. وی برای چهارمین بار ازدواج کرد و به عقد یحیی خان معتمدالملک درآمد. دوران این ازدواج هم زیاد نبود. پنجمین همسر عزت الدوله میرزا نصرالله خان منشی سپهسالار بود (باستانی پاریزی، ۱۴۰۱).

▣ داوری عباس میرزا ملک آرا^۱

عباس میرزا ملک آرا، برادر ناتنی ناصرالدین شاه، می گوید: «خدای واحد شاهد است که امیر نظام به جهت پادشاه و اهل ایران بسیار خیرخواه و صادق بود و نوکر خوبی بود. در عرض دو سال ایران را نظمی داد که از قوه هیچ کس بر نمی آمد.»

اقبال یغمایی در کتاب «مدرسه دارالفنون» (ص ۳) این گونه از امیرکبیر با احترام یاد می کند: «امیر در دوران کوتاه صدارتش که بیش از سه سال و یک ماه و ۲۸ روز نبود، چندان به ایران خدمات برجسته فرمود که شرح آن را کتابی بزرگ باید. اشارت همین بس که این نابغه کم مانند به اندک زمان، دست فتنه جویان و مفت خواران را از دربار کوتاه کرد و حاکمان عاقل و عادل بر اداره کردن شهرها گماشت. به همت و تدبیر او سراسر مملکت امن شد. تا او بر سر کار بود، هیچ متجاوزی یارای تجاوز و ستمگری نداشت و هیچ بداندیشی جرئت فتنه انگیزی نمی کرد و همه کارها به نظم بود. وی بیش از هر چیز به تربیت مردم و گسترش عدلیه توجه داشت.

به باور من، اگر امیرکبیر جز اقدام به ساختن دارالفنون هیچ کار دیگری نکرده بود، همین برای ماندگاری اش کفایت می کرد. دریغا که وی ۱۳ روز بعد از افتتاح دارالفنون زیر تیغ جلا نداشت و خونس حمام فین را رنگین کرد. ضروری است یادآوری کنیم، ما در بازار بزرگ تهران با دیدن تیمچه حاجب الدوله به یاد علی خان فراش باشی می افتیم و هر گاه با نام آوران و دانش آموختگان دارالفنون به فرهنگ کشورمان می بالیم، به ساختمان دارالفنون می اندیشیم. دارالفنون بنایی تاریخی است و تیمچه حاجب الدوله محل داد و ستد. آن را امیرکبیر بنا نهاد و این را قاتل امیر ...

در اینجا جا دارد به مناسبت صد و هفتاد و دومین سالگرد شهادت امیرکبیر یاد آن مصلح آگاه را با شعری شورانگیز از فریدون مشیری گرامی داریم:

رمیده از عطش سرخ آفتاب کویر
غریب و خسته رسیدم به قتلگاه امیر
زمان، هنوز همان شرمسار بهت زده
زمین، هنوز همین سخت جان لال شده
جهان هنوز همان دست بسته تقدیر!

۱. عباس میرزا ملک آرا، برادر ناتنی ناصرالدین شاه که شرح حال وی به وسیله عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۲۵ شمسی منتشر شده است.



هنوز نفرین می‌بارد از در و دیوار
هنوز نفرت از پادشاه بدکردار
هنوز وحشت از جانیان آدم‌خوار!
هنوز لعنت بر جانیان آن تزویر

هنوز دست صنوبر به استغاثه بلند
هنوز بید پریشیده سر فکنده به زیر
هنوز همه‌مهمه سروها که ای جلاد!
مزن! مکش! چه کنی؟ های؟!
ای پلید شیریر!
چگونه تیغ زنی بر برهنه در حمام؟!
چگونه تیغ گشایی به شیر در زنجیر!؟

هنوز، آب، به سرخی زند که در رگ جوی،

هنوز

هنوز

هنوز

به قطره قطره گلگونه، رنگ می‌گیرد
از آنچه گرم چکید از رگ امیرکبیر
نه خون، که عشق به آزادگی، شرف، انسان،
نه خون، که داروی غم‌های مردم ایران،
نه خون، که جوهر سیال دانش و تدبیر.

هنوز زاری آب،

هنوز ناله باد،

هنوز گوش کر آسمان، فسونگر پیر

هنوز منتظرانیم تا ز گرمابه

برون خرامی، ای آفتاب عالم‌گیر!

نشیمن تو نه این کنج محنت‌آباد است

تو را ز کنگره عرش می‌زند صفیر^۱

به اسب و پیل چه نازی؟ که رخ به خون شستند

درین سراچه ماتم، پیاده، شاه، وزیر!

چون او دوباره بیاید کسی؟

محال ... محال

هزاران سال بمانی اگر

چه دیر ...

چه دیر! ...

۱. شعر از حافظ

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۵۶). امیرکبیر و ایران. انتشارات خوارزمی. تهران.
۲. بامداد، مهدی (۱۳۷۸). شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴ قمری. انتشارات زوار. تهران. چاپ پنجم.
۳. روزنامه اتفاقیه، شماره ۵۲، پنجشنبه ۷ ربیع‌الثانی ۱۲۶۸.
۴. باستانی پاریزی، ابراهیم (۱۴۰۱). حماسه کویر. انتشارات علم. تهران. چاپ چهارم.
۵. مهدی آدمیت - رجال ایران
۶. محمد ابراهیم باستانی پاریزی - خاتون هفت قلعه
۷. فریدون مشیری - مجموعه اشعار
۸. سعید وزیری - آشنایی با دارالفنون
۹. اقبال یغمایی - وزیران علوم و معارف
۱۰. اقبال یغمایی - مدرسه دارالفنون